

نگاه

میدان اقتصادی، بازی سیاست

سیدشهاب‌الدین طباطبایی

● رابطه اقتصاد و سیاست هیچ‌گاه رابطه‌ای متوازن نبوده، هرگاه دامنه سیاست به عرصه اقتصاد کشیده شده، این اقتصاد بوده که صدمه دیده است و هرگاه اقتصاد وارد حوزه سیاست شده، این سیاست بوده که- یکسویه- منتفع شده است. این انکاره را می‌توان از مجموعه تجاربی که در حوزه‌های سیاست و اقتصاد طی سال‌های بعد از انقلاب رخ داده، دریافت. «سرمایه» مقوله‌ای ترسوست و حوزه اقتصاد، انجایی این ترسوبودن را می‌نمایاند که- با درس‌آموزی از تجارب تلخ تردامنی به حوزه سیاست- هرجا که نشانه‌های «سیاسی»شدن خویش را می‌بیند، در شادترین شکل ممکن، پس می‌زند. انتخابات اخیر اتاق ایران، نمونه‌ای عینی از این انکاره است. مروری گذرا بر فهرست برندگان و علی‌الخصوص بازندگان انتخابات اخیر اتاق، نمونه‌ای کلاسیک از رفتار عملکردان عرصه «اقتصاد» در مقابل پدیده سیاسی‌شدن این حوزه است و دقیقاً همین‌جاست که از قضا بررسی فهرست بازندگان و برندگان این انتخابات را به‌عنوان شاخصی برای شناخت واکنش بدنه فعال در عرصه اقتصاد به ورود سیاستون به این حوزه، دارای اهمیت دوچندان می‌کند. درواقع پدنه اقتصادی کشور، در این انتخابات فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی، کسانی را به‌عنوان نمایندگان خود برگزیدند که شاخصه اصلی آنان فعالیت اقتصادی و به‌عبارت بهتر کسب‌وکار ایشان است و نه وابستگی‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی؛ و در این انتخابات چهره‌های شاخصی که در فهرست بازندگان جای گرفتند، باوجود ویژگی‌های مثبت و توانمندی‌های منحصر‌فردشان در حوزه‌های اقتصادی حتی اگر سبقه و عقبه اقتصادی داشته‌اند، در انتخابات اخیر اتاق- با یک خطای استراتژیک و اشتباه فاحش محاسباتی- در تبلیغات و نحوه ورود خود به انتخابات بر گرایش‌های سیاسی و وابستگی‌های جناحی خود انگشت تأکید گذاشتند و این همان مقوله‌ای است که بازار، سرمایه و در سطحي وسیع‌تر، حوزه اقتصاد را همواره ترسانده و به واکنش واداشته است. فارغ از هر ارزش‌گذاری مثبت یا منفی، ورود بازی‌های سیاسی به عرصه اقتصاد، همواره فعالان حوزه اقتصادی را ترسانده است. سیاست‌ورزی به مفهوم عام، امری نکوهیده نبوده و نخواهد بود، اما کنشگران عرصه سیاست، باید این را یک بار برای همیشه بیاموزند که هر میدان گشاده‌ای، میدان مهیا برای سیاست‌بازی نیست و بازی با ابزار سیاست در حوزه اقتصاد، می‌تواند نتایجی به زیان این بازیگران را پی داشته باشد.

زاویه

روند تحلیل بازار سرمایه

غلامرضا سلامی

کارشناس ارشد بازار سرمایه

● با توجه به شرایط بورس در ایران به‌طور معمول تحلیل‌های تکنیکال و تحلیلی‌های متعارفی که در دنیا وجود دارد، کارگر نخواهند بود. بازار ما از عمق بسیار کمی برخوردار است و سهام شاور به‌عنوان سهامی که افراد بتوانند آن را خریدوفروش کنند بسیار محدود است. درصد قابل‌توجهی از سهام موجود در بازار سرمایه، دولتی باقی مانده است و جزو سهام شاور محسوب نمی‌شود، به‌نحوی که تا ۹۰درصد ارزش سهام موجود در بازار قابل‌معامله نیست. ضمن اینکه بخشی از این سهام محدود، تکرارشونده است، یعنی در هلدینگ یک شرکت در بورس خریدوفروش می‌شود و همزمان سهم شرکت زیرمجموعه همین هلدینگ به‌صورت جداگانه مورد معامله قرار می‌گیرد، درنتیجه نمی‌توان تحلیل‌های صرف تکنیکال را در این بازار پذیرفت. در این شرایط عملکرد چندشرکت بزرگ و شبه‌دولتی می‌تواند تأثیر عمده‌ای در بازار ایجاد کند و با بالا و پایین‌رفتن قیمت یک یا چند سهم، سرنوشت بورس تعیین شود.

ادامه در صفحه ۷

درگذشت

دکتر خسرو خسروی آذربایجانی

پیش کسوت و استاد جامعه شناسی

روستایی ایران زمین را به اطلاع می‌رساند.

مراسم یادبود روز جمعه ۹۳/۱۲/۲۲

از ساعت ۱۶ تا ۱۸در سالن اجتماعات

مجموعه آ.اس.پ (بزرگراه کردستان

خیابان ۶۴ غربی) برگزار می‌شود.

بستگان، دوستان و شاگردان استاد

اقتصاد

در میزگردی با حضور عطار دیان، بقاییان و مالجو با محور مسایل کارگری مطرح شد

توان چانه‌زنی کارگران بسیار نازل است



عطار دیان، بقاییان و مالجو

شکوفه حبیب‌زاده: «۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر» برکه‌ای از سر رسید محمد مالجو، اقتصاددان و پژوهشگر مسایل کارگری که به‌طور اتفاقی در دستان محمدرضا بقاییان، نایب‌ریس شورای اسلامی کار استان تهران و نماینده کارگری در شورای عالی کار قرار گرفت، فضایی را رقم زد که گویی کارگران در غیاب خود حضورشان را به میهمانان میزگرد یادآور شده و خواهان توجهی ویژه از سوی حاضران این جمع برای احقاق حقوق خود بودند. میزگردی که با محور وضعیت نابسامان تولید و کاهش قدرت خرید کارگران برای دستیابی به راه‌حلی بینابین در چنین فضایی برگزار شده بود، درنهایت به‌سویی پیش رفت که این کارگران هستند که در چنین فضایی قدرت چانه‌زنی خود را از دست داده‌اند و همراهی آنها با کارفرمایان تنها برای تأمین معیشت خود و خانواده‌شان، از سر اجبار است. محمد عطار دیان، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمای ایران، در این نشست تأکید داشت که اکنون زمان دعوی کارگر و کارفرما نیست، اما به عقیده مالجو: «تشکل‌های رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران چشم امید به بهبود وضعیت کارفرمایان بخش خصوصی دوخته‌اند، از مجموعه پرشماری از اتفاقات تاریخی غفلت می‌کنند که آنچه به کارفرمایان بخش خصوصی این توان را داده که امروز معیشت کارگران در گروی سودآوری آنها باشد، یعنی معیشت اکثریت در گروی سودآوری اقلیت باشد.» این همه در حالی بیان می‌شود که بقاییان تأکید داشت: «به‌نظر می‌رسد می‌خواهند کارگر و کارفرما را روبه‌روی هم قرار دهند.» متن کامل این میزگرد در پی می‌آید:

کند، اما به سبب بدقولی دولت‌ها در سال‌های گذشته و اکنون، دیگر اعتمادی به بخش‌دولتی نداریم. باید توجه داشت که تأمین معیشت کارگر منجر به افزایش بهره‌وری و سوددهی کارگاه‌ها و درنهایت رشد اقتصادی می‌شود، بنابراین باید به آن توجهی ویژه داشت، چراکه اگر کارگران تأمین باشند، از آنجاکه آنها قادر به خرید برند نیستند خریداران کالای تولید داخل خواهند بود که این امر به سود کارفرمایان نیز تمام می‌شود. در حال حاضر برخی از کارگران حتی تا چندین‌ماه حقوقی دریافت نکرده‌اند، به‌این‌دلیل که واحد تولیدی بدهی داشته و اموال و دستگاه‌های کارگاه مصادره شده است. بنابراین اعتقاد دارم تا دولت آستین را بالا نزنند و وارد عمل نشود، کارفرمایان به تنهایی قادر به بازکردن این گره نخواهند بود و وقتی توانایی مالی کارفرمایان پایین باشد، کارگران نیز در ادامه آن دچار آسیب می‌شوند.

مالجو: وجه مشترک گفته‌های نماینده کارفرمایان و نماینده یکی از تشکلهای رسمی کارگری در اینجا این بود که هر دو میهمان محترم راه‌حل را سرجمع در تسهیل مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تمهید زمینه‌هایی از سوی دولت برای شکوفاسازی فعالیت بخش خصوصی دانستند. استدلالشان نیز این بود که اگر به این‌سو حرکت کنیم، اشتغال‌زایی صورت می‌گیرد و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد و از‌سویی سودآوری و امکان انباشت بیشتر سرمایه بخش خصوصی میسر خواهد شد و از‌سوی دیگر با تعلق گرفتن دستمزد و حقوق به کارگران عملاً وضع طبقات فرودست‌تر نیز بهتر می‌شود. من اصلاً وارد این بحث نمی‌شوم که چرا با این استدلال از بنیاد مخالفم. در عوض، می‌گوشم از عینک همین استدلال دوستان نگاه و بررسی کنم اگر این مسیری که پیشنهاد شد، انتخاب شود در بافت اقتصادی و سیاسی ایران چه نتیجه‌ای حاصل خواهد شد. تحلیل من این است که هرچقدر هم دولت از بخش خصوصی حمایت‌های مالی به‌عمل بیاورد، امکان اشتغال‌زایی و افزایش تولید چندان محتمل نیست. به‌علتی که فراتر

نیست. در این شرایط دولت و بخش خصوصی و تمامی کسانی که به صور مختلف صدای بلندی دارند، گرچه می‌بینند تولید داخلی و سرمایه‌مولد را نمی‌توان به‌خاطر موانع متعددی که وجود دارد تقویت کرد، اما کم‌اگان می‌خواهند برای افزایش سودآوری بخش خصوصی اقدام کنند. بنابراین جایی که نمی‌توانند فشار را بر سرمایه نامولد و سرمایه تجاری وارد بیاورند، همه فشار را برای سودآورکردن بخش خصوصی و شبه‌دولتی به دوکانالی هدایت می‌کنند که در آنها با هیچ‌مقاومت جدی‌ای مواجه نیستند؛ یکی از این مسیرها ارزان‌ترسازی و دسترس‌پذیرترسازی ظرفیت‌های محیط‌زیست برای فعالیت‌های اقتصادی بخش‌های دولتی و خصوصی است که تخریب محیط‌زیست را در ابعاد گسترده‌ای در چارچوب یک سوءمدیریت گسترده به‌دنبال آورده است و دیگری نیز هدایت آن فشار به‌سمت کاهش سهم‌بری صاحبان نیروی کار در فرایندهای تولید و توزیع است، آن‌هم در شرایطی که نیروی کار هیچ‌گونه تحرکی از خود نشان نمی‌دهد و تشکلهای کارگری نیز باوجود تفاوت‌هایی که میان شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی کارگری و نمایندگان کارگری (یعنی سه‌نوع تشکل به‌رسمیت شناخته‌شده در قانون کار) وجود دارد دقیقاً آن‌گونه می‌اندیشند که کارفرمایان درنتیجه شاهد وضعیتی هستیم که به لحاظ تاریخی آهسته‌آهسته دارد به‌شدت دامن‌گیرمان می‌شود.

اشاره‌ام به اختلال در بازتولید اجتماعی نیروی کار است. به‌این‌معنا که بخش قابل‌توجهی از خانواده‌ها در طبقات فرودست‌تر اجتماعی به‌طور ساختاری دخلشان کمتر از خریشان است و نمی‌توانند فرزندان خود را متناسب با استانداردهای تاریخی لازم در زمینه‌های آموزش و بهداشت و درمان و سلامت و... پرورش دهند. بنابراین امروز شاهدیم که پایه اصلی تولید یعنی تولیدکنندگان واقعی و به عبارت دیگر صاحبان نیروی کار، در شرف نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.

شما در بخشی از سخنان خود اشاره کردید که نماینده کارگری نیز بسان تشکلهای کارفرمایی می‌اندیشند. به عقیده شما نگاه این بخش چگونه باید باشد که اکنون نیست؟

مالجو: تشکلهای رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران، چشم‌امید نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.
مالجو: تشکلهای رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران، چشم‌امید نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.

مالجو: تشکلهای رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران، چشم‌امید نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.	مالجو: تشکلهای رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران، چشم‌امید نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.
مالجو: تشکلهای رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران، چشم‌امید نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.	مالجو: تشکلهای رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران، چشم‌امید نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.

ادامه در صفحه ۵

کاهش قیمت بی‌وقفه دلار

شرق: دلا بی‌وقفه در مسیر نزولی حرکت می‌کند. دیروز در بازار آزاد تهران هر دلار آمریکا سه‌هزار۳۸۵ تومان قیمت خورد که نسبت به روز دوشنبه ۱۱ تومان افت قیمت دارد.

ارز +	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۳۸۵	↓
یورو	۳۷۰۰	↓
پوند	۵۱۶۷	↓
درهم	۹۲۸	↓

شاخص کل بورس با ۶ واحد تقویت شد

بورسی مربوط به بانک صادرات، صنایع آذربآب، خودروسازی راه‌ما، سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین، بانک ملت، خودروسازی سایپا و شرکت سرمایه‌گذاری نفت بوده است.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۳۸۵۲/۸	۶/۱
۳۰ شرکت بزرگ	۲۸۵۱	۳/۳-
آزاد شناور	۷۲۶۹۶	۱۸/۹-۲۱
شاخص قیمت	۲۷,۷۳۹/۷۰	۶/۱
شاخص کل (هموزن)	۹,۷۲۹/۵۰	۲۰/۲-۶۲
شاخص قیمت (هموزن)	۸,۹۳۱/۶۰	۲۰/۵-

شرق: شاخص کل بورس اوراق تهران در پایان معاملات دیروز با وجود شش‌واحد افزایش، در کانال ۶۳ هزارو۸۵۲ واحد ماندنی شد. ارزش روز بازار نیز به ۲۸۵ هزارمیلیاردتومان رسید و معامله‌گران بورسی تعداد ۲۰۰ میلیون و ۵۱۲ هزار برگه بهادار در قالب ۳۲ هزارو۹۶۰ نوبت معامله و به ارزش ۸۳ میلیارلدتومان دادوستد کردند. دیروز نمادهای فارس، سرمایه‌گذاری غدیر، سرمایه‌گذاری گروه توسعه ملی و پارسان مربوط به گسترش نفت و گاز پارسیان در تقویت شاخص اثرگذار بوده و نماد شرکت‌های بانک صادرات ایران، ایران خودرو و شرکت ارتباطات سیار ایران در کاهش شاخص بورس اثرگذار بوده‌اند. امروز نمادهای پربیننده

گزارش

پوست‌اندازی اتاق بازرگانی تهران

۳۵ کرسی به «اتلاف برای فردا» رسید

فرشید خاموشی

● آنها آمده بودند که «چهل» کرسی هیات نمایندگان اتاق تهران را یک‌جا به دست بگیرند، اما در شی که برای همیشه در تاریخ بخش خصوصی به یادگار ماند، تنها «پنج» کرسی برای باقی گروه‌ها و نامزدها خالی گذاشتند و درنهایت به ۲۵ صندلی پارلمان بخش خصوصی در پایتخت رضایت دادند؛ اتفاقی که به جز آن «چهل» نفر و موکلانشان که روز گذشته به مصلای تهران آمدند، کسی دیگر به آن باور نداشت. حالا اتاق بازرگانی تهران ترکیب یک‌دستنی از نمایندگان بخش خصوصی را برای یک‌دوره چهارساله به خود می‌بیند که بسیاری در آرزوی آن بودند؛ ترکیبی که اعضای جدید آن مدعی هستند با «فکر» و برای «فردا»ی اتاق بازرگانی به آن با گذاشته‌اند.

برندگان آرای خاکستری

انتخابات هشتمین دوره هیات نمایندگان اتاق تهران مانند سایر اتاق‌های سراسر کشور، روز گذشته برگزار شد. در این انتخابات که زمان رای‌گیری ۱۱ اساعت بود، بیش از سه‌هزار۳۰۰ نفر از دارندگان کارت بازرگانی در تهران پای صندوق آمدند که از این‌نظر، رکورد تازه‌ای نیز برای اتاق بازرگانی تهران به‌جا ماند. در دوره قبل، کمترین تعداد و حدود دوهزارو۴۰۰ نفر از فعالان اقتصادی پایتخت در انتخابات مشارکت کردند. تعداد داوطلبان ورود به هیات نمایندگان اتاق تهران نیز در این دوره تفاوت چشمگیری با دوره‌های قبل داشت به‌طوری‌که اگر در دوره قبل ۱۴۰ نفر برای انتخابات اتاق تهران نامزد شدند، در این دوره این تعداد در ۲۲۷ داوطلب رسید. درهای سالن محل رای‌گیری انتخابات در حالی از ساعت هشت‌صبح به روی فعالان اقتصادی باز شد که از همان ابتدا نشانه‌های حضور گسترده صاحبان کسب‌وکار خودنمایی کرد. از نکات قابل‌توجه این دوره از انتخابات، حضور بالای تاجر و کارآفرینان تشدید می‌کند.

شما در بخشی از سخنان خود اشاره کردید که نماینده کارگری نیز بسان تشکلهای کارفرمایی می‌اندیشند. به عقیده شما نگاه این بخش چگونه باید باشد که اکنون نیست؟

مالجو: تشکلهای رسمی کارگری و آن دسته از نیروهای کارگری که برای وضعیت اقتصادی کارگران، چشم‌امید نوعی فرسودگی شدید هستند، به‌این‌معنا که نیروی کاری که تولیدکننده اصلی است، نمی‌تواند بازتولید شود و این یعنی حرکت به‌سوی آسیب‌پذیری سامانه تولید در کشور. پیشنهاد دوستان در اینجا سرعت چنین روندی را تشدید می‌کند.

یک گروه برای یک شگفتی

از زمان آغاز رقابت‌ها تا پیش از اعلام نتایج انتخابات اتاق تهران، پنج‌گروه به‌عنوان رقبای اصلی این انتخابات شناخته می‌شدند، اما شب گذشته، هنگامی که نام برندگان از صندوق‌های رای بیرون آمد، مشخص شد که تنها یک‌طیف از این جمع عنوان «گروه» و «تیم مشترک» را یک می‌کشیده است. «اتلاف برای فردا» که از ماه‌ها پیش با یک‌گروه پا به انتخابات اتاق بازرگانی گذاشت، سرانجام با همان گروه به اتاق تهران راه پیدا کرد و به جز پنج‌کرسی، تمامی صندلی‌های بخش خصوصی در هیات نمایندگان اتاق تهران را از آن خود کرد. در این انتخابات، ۱۶ کرسی به نمایندگان بخش بازرگانی، ۱۴ کرسی به نمایندگان بخش صنعت، شش صندلی به نمایندگان حوزه کنسائوری و چهارکرسی نیز به بخش معدن اختصاص داشت که درنهایت گروه «اتلاف برای فردا» علاوه‌بر آنکه تمامی کرسی‌های بخش معدن و کشاورزی را به دست آورد، نامزدهای خود را بر ۱۴ کرسی بخش بازرگانی و ۱۱ صندلی بخش صنعت نشاناند. این گروه را مجموعه‌ای از صاحبان کسب‌وکار، تاجر و صنعتگران تشکیل

می‌دهند که اگر هریک به‌طور مستقل یا به این انتخابات می‌گذاشتند، شانس کمتری برای پیروزی در اتاق تهران داشتند، اما کار جمعی و چند ماهه آنها نتیجه داد و درحالی‌که سایر طیف‌ها و افراد مستقل این انتخابات بخت زیادی برای خود متصور بودند، این گروه تنها پنج کرسی از مجموع ۴۰ کرسی اتاق تهران را برای دیگران باقی گذاشت.

این ۳۵ نفر

اما این ۳۵ نفر و آن «پنج» نفر برنده انتخابات اتاق تهران چه کسانی هستند؟ از گروه اتلاف برای فردا، این افراد جواز ورود به هیات نمایندگان دوره هشتم را کسب کردند؛ پچی آل‌اسحاق، مسعود خوانساری، پدارم سلطانی، محسن خلیلی‌عراقی، محمدرضا انصاری، مهدی جهانگیری، فاطمه مقیمی، مهدی پورقاضی، فرهاد فروزی، علی شمس‌اردکانی، فریال مستوفی، احمد صادقیان، سیدحسین سلیمی، محمد میرزاده، محسن بهرامی‌ارض‌افشار، سیدرضی حاجی‌میری، محمود نجفی‌عرب، سیدحامد واحدی، ناصر ریاحی، مهدی شریفی‌نیک‌نفس، محمد لاهوتی، علی سنگینیان، محمدرضا زهره‌وندی، رضا پدیدار، سیدمحمد اتابک، علیرضا کلاهی، احمد کیمیایی، حمیدرضا صالحی، مهدی معصومی‌اصفهانی، مرتضی لطفی، سیدبهادر احراریان، علیرضا خائف، عباس آرگون، حسن فروزان‌فرد و کاوه زرگران، اما از سایر گروه‌ها و نامزدهای مستقل تنها پنج‌نفر موفق شدند به کرسی‌های اتاق تهران دست پیدا کنند.

ادامه در صفحه ۵